

توسعه و حفاظت در بافت‌های ارزشمند روستایی، با رویکرد به فرهنگ بومی

میترا آزاد *، سید احسان میرهاشمی روته **

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۳/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۴/۰۱/۱۸

چکیده

توسعه در روستاهای واجد ارزش تاریخی چه با نگرش حفاظت، مرمت و یا احیا، به متغیرهای مختلفی وابسته بوده که ریشه آن در برداشت صحیح از مفهوم روستاست. تعاملی که انسان با محیط برقرار کرده و پاسخ متقابل محیط به نیاز انسان، مفهوم بوم را ساخته که در پس آن، فرهنگی است که حداقل در حوزه کالبد معماری، می‌تواند «پایه و اساس سنت معماری ایرانی» معرفی گردد. حفظ این ارزش‌ها در دل توسعه، بر نسل حاضر الزام بوده و ضرورت پژوهش در این زمینه است.

گسترش فناوری‌های نوین، نیازهای روستایی را فراتر از امنیت و شرایط آسایش برده و به مرحله رفاه رسانده است. درک مرحله رفاه، نیازمند توسعه بوده و حفظ کالبد دارای ارزش تاریخی در تعامل با توسعه، نیازمند واکاوی متغیرهایی است که در عین حفاظت از ارزش‌های تاریخی، توسعه را نیز مد نظر قرار دهد. در این راستا یکی از فرض‌های این تقریر، رجوع به فرهنگ بومی به‌عنوان یک راهبرد در تعامل با توسعه و حفاظت بافت‌های ارزشمند روستایی است که می‌تواند به توسعه پایدار روستا منجر شود؛ همچنین توجه به هویت مکان به‌عنوان یک شاخصه مهم در روند احیای کالبد دارای ارزش تاریخی، فرض هدایت‌کننده دیگری برای رسیدن به هدف پژوهش بوده است.

دستآورد این پژوهش تأکید بر رجوع به فرهنگ بومی، جهت توفیق طرح‌های توسعه‌ای در بافت‌های با ارزش روستایی می‌باشد که برای رسیدن به این اندیشه، از بازخوانی و واکاوی دیدگاه صاحب‌نظران داخلی و خارجی و شرح تجربیات آن‌ها وام گرفته شده است. با توجه به ماهیت بنیادی - نظری این تحقیق، همچنین فرایند و هدف پژوهش، روش آن را می‌توان در چارچوب کیفی، با استفاده از تحلیل، توصیف و استنتاج طبقه‌بندی نمود.

واژگان کلیدی: روستاهای با ارزش، حفاظت، توسعه، فرهنگ بومی.

* استادیار گروه تاریخ معماری، مطالعات و مرمت ابنیه و بافت‌های تاریخی؛ دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.

** کارشناس ارشد مرمت ابنیه و بافت‌های تاریخی. emirhashemi20@gmail.com

مقدمه

سکونتگاه‌های روستایی با توجه به نوع عملکردشان، سازمان‌های فضایی متفاوتی دارند. از طرفی در بسیاری موارد، نسخه‌های دخالت در بافت شهری، برای روستاها نیز تجویز شده که با توجه به تفاوت‌های ماهوی این دو پدیده، اقدامی نادرست است.

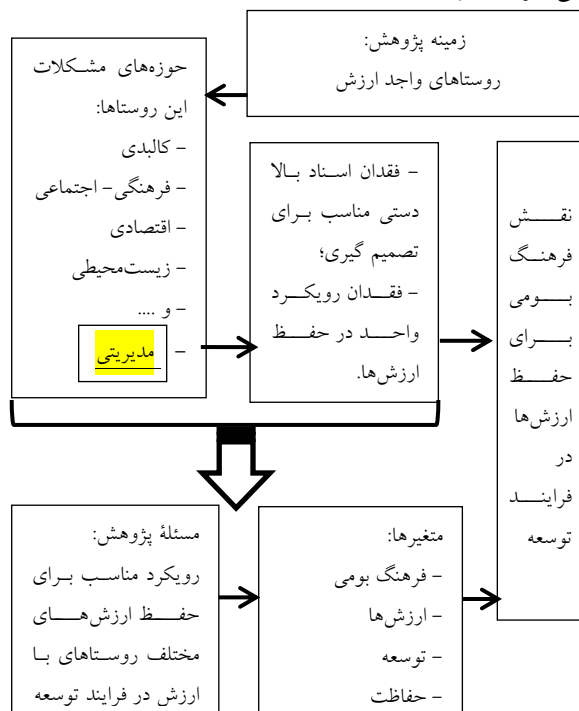
در حوزه اقتصاد، شهر وابسته به صنعت و تجارت و روستا غالباً وابسته به کشاورزی است. در شاخه مدیریتی، شهر دارای پیچیدگی و در روستا دموکراسی اولیه حاکم است. در زمینه فرهنگ، شهر بر پایه هنر، علوم و ترکیبات پیچیده نمود داشته و این در حالی است که روستا جامعه‌ای سنتی، با فرهنگ ساده و خاص خود است و نهایتاً در حوزه فضایی، شهر وابسته به راه، بنا و مسکن لکن روستا وابسته به زمین است (سرتپی‌پور، ۱۳۸۸: ۲).

در این میان، برخی روستاها واجد ارزش‌های گوناگون هستند که حفظ آن‌ها در مقیاس کالبدی، به عنوان جان‌مایه «سنت معماری ایرانی»، برای حفظ هویت بومی، یک الزام است (حناچی، ۱۳۹۰: ۲). تفاوت‌های شهر و روستا، همچنین وجود روستاهایی با ارزش‌های متنوع در ایران، در کنار توسعه که امری اجتناب‌ناپذیر است، لزوم بررسی متغیرهای مختلف در فرایند توسعه، مبتنی بر حفاظت و احیای ارزش‌ها را آشکار می‌نماید. یکی از مهم‌ترین این متغیرها، «فرهنگ بومی» روستاست.

طرح مسئله و هدف پژوهش

این پژوهش در پی بررسی اهمیت فرهنگ بومی در فرایند توسعه، در عین حفاظت از ارزش‌های روستایی شکل گرفته است. در حقیقت ذهن‌کاوی ابتدایی، زمینه‌ها، پدیده، مداخله و روابط علی را تبیین نموده تا در نهایت به راهکارهای کلی دست یابد. زمینه این پژوهش روستاهای واجد ارزش تاریخی با تمام مشکلات خود از جنبه‌های مختلف است. مشکلات این روستاها (کالبدی و

غیرکالبدی) در گرایش‌های تخصصی و میان رشته‌های مختلف قابل بحث است. هدف این پژوهش ارائه خط‌مشی کلان با اساس فرهنگی برای حفظ و احیای «مکان» روستا در تمام ابعاد آن در فرایند توسعه است. نوع مداخله و بهبود وضع حاضر، نیازمند بررسی متغیرهای مختلف مانند فرهنگ، برای روستاهای واجد ارزش است. در واقع روابط علی مشکلات بافت‌های تاریخی روستایی در پذیرش توسعه هستند و به عنوان متغیرهایی در تعامل با راهکارهای ارائه شده، قرار می‌گیرند (نمودار شماره ۱).



ن ۱. طرح مسئله پژوهش با توجه به زمینه و متغیرها.

پرسش‌های پژوهش

- روستاهای ارزشمند واجد چه خصوصیتی بوده و مبانی حفاظت و الگوهای توسعه آن‌ها چگونه است؟
- فرهنگ بومی چه جایگاهی در برنامه‌ریزی توسعه‌ای برای روستاهای واجد ارزش دارد؟

- نگرش فرهنگمدار، چگونه به حفظ و احیای بافت با ارزش روستایی و رشد آن کمک می‌کند؟

بررسی مفاهیم

برخی مفاهیم، مورد نظر این پژوهش در ذیل بررسی و در این میان مفهوم مورد نظر از روستا و فرهنگ بومی با تفصیل بیشتری بحث می‌گردد.

مفهوم روستا

علوم‌ی که در شناخت روستا کاربرد دارند، جامعه‌شناسی و جغرافیا هستند اما تعاریف موجود برای روستا به‌خصوص در شعبه‌های علوم انسانی، تنها به هستی و چگونگی آن پرداخته‌اند که این نوع برخورد مختص علوم تجربی و تک‌ساختی امروز است (کوششگران، ۱۳۸۵). برای نمونه ابن‌حوقل روستا را مجموعه‌ای از دِهات، مزارع و قصبات دانسته که هریک تعریف خاص خود را دارند و دارای ریز بخش‌هایی چون قصبه (آبادی مرکزی)، قریه (آبادی مستقل)، قلعه و کلات (کوچک‌تر از قریه) و مزرعه (فضای کشت و کار) بوده که ممکن است دارای چند خانوار باشد (حسینی ابری، ۱۳۷۸: ۵۱)؛ و یا ابن خلدون (۱۳۵۲) اذعان می‌دارد که جوامع انسانی سه مرتبه از نیاز را درک می‌کنند. مرتبه نخست از این سه‌گانه، مرتبه نیازهای امنیتی و مرتبه دوم را نیازهای حوزه آسایشی تشکیل می‌دهند که معیشت و نوع آن، حاصل پاسخ به این نیاز است. در مرتبه سوم نیازهای حوزه رفاه پدید می‌آید و پاسخ خود را می‌طلبد. ابن خلدون جوامع روستایی را از درک این مرحله از نیاز، ناتوان دانسته و می‌پندارد که در صورت تولید مازاد بر نیاز، زمینه‌های تجربه رفاه رخ می‌نماید (حناچی، ۱۳۹۰: ۲۵). به‌گونه‌ای که جغرافیا و جامعه‌شناسی به روستا پرداخته‌اند، روستا، پیامد پاسخ به نیازهای آسایشی است و می‌توان گفت: روستا بازتاب پاسخ محیط به نیازهای انسان است (همان: ۲۶).

از طرفی در آرای نظریه‌پردازان مدرن مانند نوربرگ شولتز، روستا، به‌منزله بهترین مصداق برای مفهوم «هنر مکان» شناخته شده است. مکان در آرای او «فضا به‌علاوه کاراکتر» است (پرتوی، ۱۳۸۲).

عطف به تعریف ماهیت مکان از دید شولتز و همچنین تعریفی که از بررسی شعب علوم انسانی به‌دست می‌آید، می‌توان ابراز داشت که روستا نوعی سکونت‌گزینی انسان بوده و هست که در ترکیب با محیط از حالت اقامت صرف خارج شده و سبب گردیده انسان در کنار فعالیت، به آرامش نیز دست یابد پس سکونتگاه مناسب یا به‌اصطلاح مدینه فاضله، باید شرایطی داشته باشد که انسان به‌واسطه آن به‌کمال و سعادت برسد و مکان آن باید محتوای پرورش چند بُعدی را در خود داشته باشد (شوای، ۱۳۷۵: ۴۳۴-۴۳۵). در واقع «معیشت»، پل ارتباط انسان و محیط در دوره سنت است و به قول هایدگر غایت انسان که «بودن-در-جهان» است، نتیجه چالشی است که او با محیط و طبیعت برقرار کرده است. با این توصیف می‌توان گفت: «روستا مجموعه‌ای از ساخته‌ها، رفتارها و باورهای انسانی است و همه آنچه روستا را به‌عنوان پدیده‌ای منحصر به‌فرد معرفی می‌نماید، شاخصه‌های بومی و جغرافیایی مکان آن است» (حناچی، ۱۳۹۰: ۶۱). از این‌رو روستا تنها وجه کالبدی ندارد و مجموعه‌ای از ساخته‌ها، رفتارها و باورها را در بر می‌گیرد. این تفسیر نشان می‌دهد که حفاظت از روستا باید شامل ابعاد و ارزش‌های مادی و غیرمادی به‌صورت توأمان باشد.

معیارهای ارزشمند بودن یک روستا

ملاک‌های ارزشی در پنج حوزه کالبدی، تاریخی، فرهنگی، زیست‌محیطی و اقتصادی قابل طبقه‌بندی هستند (حناچی، ۱۳۹۰: ۷۸). سازگاری با اقلیم، تکنیک‌های ویژه ساخت، استفاده از مصالح بومی به‌طور

حفاظت و مبانی حفاظت میراث بومی

به طور کلی حفاظت به دو معنا به کار می‌رود: یکی در زمانی که از چیزی با دقت استفاده می‌شود تا برای مدت طولانی باقی بماند و دیگری مراقبت و پاسداری از چیزی در برابر آسیب، تخریب و تغییر (نقل از حبیبی و مقصودی، ۱۳۷۰: ۲۰). این واژه (conservation) در فرهنگ‌های تخصصی حفاظت معماری، به صورت «مدیریت یک بنا یا بافت برای حفظ آن از تخریب، بی‌استفاده شدن و مورد بی‌توجهی قرار گرفتن» (همان) آمده است. در مجموع واژه حفاظت به این معنا شامل مرمت، تثبیت و یا برگرداندن وضعیت نخستین بنا یا بافت با تأکید بر آنالیزهای معمارانه و باستان‌شناسانه معرفی شده است (URL: 1). آنچه مد نظر این تقریر است حفاظت از ارزش‌های کالبدی و مهم‌تر از آن غیرکالبدی می‌باشد. بیانیه مکزیکوسیتی میراث بومی هر کشور را بخش مهمی از چشم اندازهای فرهنگی آن دانسته که این ارتباط باید برای توسعه اهداف حفاظتی سمت و سو بگیرد. در این راستا مستندسازی بافت و بناهای موجود، جانمایی، منظر پردازی و تقسیم ابنیه (از حیث ارزش و اصالت)، حفظ و توسعه روش‌های سنتی ساخت‌وساز، احیای بافت منطبق بر نیازهای جامعه و ارائه برنامه‌های آموزشی و تربیتی به منظور همکاری و تعامل با جوامع محلی، همچنین آموزش روش‌های سنتی ساخت‌وساز و استفاده از مصالح بومی و توانمندی‌های حرفه‌ای موجود در محیط، می‌تواند به عنوان خطوط راهنما تلقی شود.

تعریف و مفهوم حفاظت در بیانیه شیان (۲۰۰۵) این مقصود را برآورده می‌سازد. در این بیانیه رسالت حفاظت، «مدیریت تغییر در محیط پیرامون، ساختارها، محوطه‌ها و بافت‌های با ارزش با هدف حفظ اعتبار فرهنگی و ویژگی‌های متمایز آن» عنوان شده است. حال این

خاص و معماری همگن در دامنه ارزش‌های کالبدی قرار می‌گیرد. قدمت بافت کالبدی، وجود بناهای تاریخی و وقوع اتفاقات مهم تاریخی در حیطه ارزش‌های تاریخی هستند. عناصر، مکان‌ها یا مناظر ویژه طبیعی در دسته ارزش‌های زیست محیطی بوده و تولید صنایع دستی خاص در روستا، پرورش گونه‌های خاص گیاه، دام و یا آبی، نوع خاص بهره‌گیری از عناصر طبیعی و دارا بودن قابلیت گردشگری، در دسته ارزش‌های اقتصادی قرار دارند.

در این میان، آداب و رسوم ویژه، روش‌های خاص زیست و تولید، وجود مدیریت‌های مردمی و یا سازمان‌های عرفی مانند ریش سفیدی، بنه و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی روستاست.

طبیعی است که همه روستاها دارای تمام این ارزش‌ها نیستند. در واقع اصولی که در این نوشتار بیان می‌شود برای حفاظت از کالبد دارای ارزش که در تعامل انسان با طبیعت در طی سالیان به دست آمده و همچنین فرهنگ بومی جاری در زمینه‌های مختلف، در فرایند توسعه است.

پرسش مهم اینکه چرا روستا، اثر میراث فرهنگی است و میراث فرهنگی بودن آن مشمول همه روستاهاست یا خیر؟

در پاسخ به پرسش فوق باید ذکر کرد که اگر تمامیت و اصالت زندگی دوره کشاورزی در قالب (کالبد) یک روستا و یا آبادی دیگر دوام آورده باشد، امروزه به عنوان «فرهنگ زنده» و یک اثر میراث فرهنگی شناخته می‌شود. حال اگر به هر دلیلی بافت دارای ارزش فاقد سکنه و متروکه بود، سابقه فرهنگی آن به عنوان ارزشی ناملموس، حفاظت گران را ملزم به احیای جامع آن می‌نماید. نکته دیگر اینکه روستا به واسطه گره خوردنش با طبیعت در واقع ودیعه و امانت بوده و حفظ آن یک الزام است.

در حالی که توسعه، نوعی انطباق‌پذیری با وضع موجود و هویت آن مکان است» (مارک هنری، ۱۳۷۴). از دیدگاه دیگر میزان توسعه‌یافتگی در ارتباط با کیفیت هویت سرمایه اجتماعی سنجیده می‌شود که سعی در بازسازی مفهومی چون هویت اجتماعی دارد (خادم‌آدم، ۱۳۷۵). بر این اساس آنچه از توسعه مد نظر این پژوهش است، در قالب هویت هر قومی شکل می‌گیرد که مجموعه ذخایر فکری موجود را برای سرعت‌بخشی به ایجاد زندگی آرمانی در تمام ابعاد به‌کار می‌گیرد. در مقابل، توسعه شتاب‌زده و بدون برنامه همراه با عدم توجه به زیرساخت‌های زیست محیطی، فرهنگی، اجتماعی و انسانی مشاهده می‌شود که حاصل آن تخریب میراث فرهنگی و بافت‌های با ارزش است (حنایچی و دیگران، ۱۳۸۶: ۵۳).

مفهوم بوم و فرهنگ بومی

«طبیعت» در ابتدا «وسعت فیزیکی و مادی یک سرزمین» را که بر زندگی و منش انسان زیستنده در آن تأثیرات مادی و غیرمادی می‌گذارد، شامل می‌شود؛ این همان جغرافیاست. باید دانست که تعامل انسان با طبیعت یا همین استعداد حاضر در وسعت جغرافیایی ذکر شده است که مفهوم «بوم» را شکل می‌دهد. گاه به غلط، بوم همان جغرافیا استفهام می‌گردد و این در حالی است که بوم همان اندازه که به رنگ جغرافیاست، متعامل با انسان زیستنده در آن نیز هست (حنایچی و همکار، ۱۳۹۰: ۶۴). نوع تعامل انسان با طبیعت و جغرافیای پیرامونش، سازنده اصلی فرهنگ بومی بوده که در روستاهای واجد ارزش، برای حفاظت و توسعه، باید مد نظر قرار گیرد.

در فرهنگ بومی، پیوند بین سنت، عوامل طبیعی، مصنوعات بشری و بالاخره تأثیرات مردم بومی بر طبیعت سرزمینشان از اصالت بیشتری برخوردار بوده

ویژگی‌ها می‌توانند روش‌های خاص ساخت یا مصالح بومی موجود باشند. در واقع حفاظت از نظر مفهومی طیف وسیعی از مداخله‌ها و برنامه‌ها را در بر می‌گیرد که با هدف حفظ میراث فرهنگی صورت می‌پذیرند (حنایچی و دیگران، ۱۳۸۶: ۵۳).

صاحب‌نظرانی چون اگوستین ژیرارد (نراقی، ۱۳۷۰: ۳۶) و گرهارد لنسکی (۱۳۷۴: ۲۳) توسعه مبتنی بر فرهنگ بومی را ضامن توسعه اقتصادی می‌دانند، لذا در جمع‌بندی می‌توان گفت: راه حفاظت از روستاهای واجد ارزش با شناخت و درک هویت‌ها، ارزش‌ها و توانمندی‌های آن حاصل خواهد شد. در این صورت با نگرشی پایدار به حفظ هویت و ارزش‌های شناخته شده، جذب گردشگر و همچنین راهبردهای توسعه اقتصادی میسر خواهد بود. در این صورت است که روستایی نیازهایی از جنس رفاه را رفع نموده و موجب ماندگاری او در روستا خواهد شد. فراموش نگردد فضا به اضافه کاراکتر ضامن حفاظت میراث بوم‌ساخت است.

توسعه

گاه توسعه با سیاست‌های اقتصادی به پیش می‌رود که در این زمینه ناکام مانده است (پاپلی یزدی و همکار، ۱۳۸۷). توسعه، رشد اقتصادی صرف نیست و باید در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری کل نظام اجتماعی را نیز به همراه داشته باشد (ازکیا، ۱۳۸۱). پس توسعه فرایندی است که متضمن بهبود مداوم در همه عرصه‌های زندگی انسانی، اعم از مادی، معنوی و بهبود بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در راستای توسعه ملی باشد.

از این رو می‌توان توسعه را تکامل سطح زندگی و رسیدن به شرایط آرمانی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دانست. توسعه و پیشرفت محتوای جداگانه‌ای دارند. «پیشرفت، حرکت به سمتی تازه را القا می‌کند

و در مقیاس انسانی قابل درک و دلنشین است (مهریار، ۱۳۸۴: ۵۲).

چیتامبار (۱۳۷۳: ۴۶) فرهنگ بومی را شیوه زندگی مردم و یا الگوی رفتاری و فکری آن‌ها در تعامل با محیط معرفی می‌نماید. واکاوی این تعریف یعنی فرهنگ بومی کلیتی است که نوع ارضای نیازها را در همه زمینه‌ها در نظر دارد. حال عطف به نظریه مازلو (۱۳۷۴) این نیازها می‌توانند از جنس فیزیولوژیک و یا در مراحل بالاتر میل به خودشکوفایی باشند. فرهنگ بومی رفتاری است که به الگو تبدیل شده و شامل اندیشه‌ها، دانش‌ها و ارزش‌هاست (منشا این ارزش‌ها یا نیاز بوده؛ یا هنجار و یا کمی‌آب بودن) که به اعضای جامعه منتقل می‌شود و میان آن‌ها مشترک است.

فرهنگ بومی در جامعه روستایی باید واجد رویکردی عملکردگرا باشد. در واقع رویکرد فرهنگ بومی در حفاظت از روستا به عنوان میراث ملموس و زنده، باید مبتنی بر هنجارها، ارزش‌ها و تقسیم کار اجتماعی، در پی احیای جامعه‌ای پویا باشد که متناسب با شرایط مکانی، زمانی و از همه مهم‌تر اقتصادی- معیشتی، بهترین روش را برای توسعه ارائه نماید، درحالی‌که همه این موارد در جهت پاسخ‌گویی به نیازهاست.

ماهیت فرهنگ بومی و بوم‌شناسی

فرهنگ به عنوان سازمانی منسجم از فرایندهای زیست انسانی که در اجتماع نهادینه شده است، محور اصلی تعاملات میان انسان‌ها و محیط پیرامونشان تلقی می‌گردد (مالینوفسکی، ۱۳۸۴: ۱۷). بوم‌گرایی و فرهنگ بومی با بحث راجع به اکولوژی شکل یافته و در این نگاه، روستا به عنوان یک اکوسیستم مصنوع با متغیرهای اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی روبروست. حامی این ساخته‌ها و تعاملات را می‌توان طبیعت روستا دانست

(نقصان محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۳). از این‌رو مبانی بوم‌شناسی را می‌توان «رابطه موجود میان ساکنان و استفاده اجتماعی از محیط» دانست (تولایی، ۱۳۸۸: ۱). کوئن معتقد است مناطق بوم‌شناختی محدوده‌های جغرافیایی اجتماع هستند که برای اهداف گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرند (کوئن، ۱۳۷۱: ۲۱۰). برخی دیگر جامع‌تر به موضوع نگریسته و منطقه را به لحاظ مکانی شامل محدوده بلافصل نمی‌دانند و الگوی کاربری زمین، سیمای طبیعی، خرداقلیم‌ها، اهمیت تاریخی، روابط اجتماعی و ... را نیز مشمول بوم‌شناختی می‌دانند (نقصان محمدی، همان. به نقل از Buchanan, 1988). این تعریف برای احیای بافت بیشتر مد نظر این پژوهش است.

با این تعریف جامعه روستایی دارای «فرهنگ روستایی» می‌باشد که نظام خاص سازماندهی و تغییر شکل خود را داراست. در این دیدگاه فرهنگ محصول تعامل با طبیعت دانسته می‌شود و نظام خاص فرهنگ روستایی در یک بافت بوم‌شناختی معین (روستا) پدید می‌آید (Castellan, 1977: 120). با این رویکرد دو جنبه انسانی و طبیعت محوری در این زمینه قابل مطرح شدن است (carmona, 2003).

ریشه‌های نگرشی توسعه پایدار، به نارضایتی از نتایج توسعه و رشد اجتماعی و اقتصادی در روستاها از منظر بوم‌شناسی باز می‌گردد (نوابخش و همکار، ۱۳۸۸: ۱۵۶). در واقع پایداری، جریانی چند جانبه است که ضمن بهبود وضع اقتصادی و ایجاد رفاه همگانی، از آثار نابهنجار تقابل با طبیعت دور است (حبیب، ۱۳۸۶: ۱۱۱). توسعه پایدار نیز دو جنبه بومی و انسانی را مد نظر دارد و توجه به رفاه انسانی را مقدم شمرده است (همان). درحال حاضر مفاهیم فرهنگ بومی ضمن آشنا بودن تغییر یافته و به تدریج نامفهوم می‌شود. رشد این شکاف

اکثریت روستاها بررسی شده است (جدول‌های ۱ تا ۳). نمودی از رعایت احکام شرعی در برخی روستاها مانند استان یزد که اختلاط جمعیت زرتشتی و مسلمان در آن زیاد است، مشهود می‌باشد. برای مثال حمام‌ها و آب‌انبارها که محیط مرطوب محسوب می‌شود، دارای ورودی جداگانه برای مسلمین و غیر مسلمانان است (حاجی‌ابراهیم‌زرگر، ۱۳۸۶: ۱۱۷ و ۱۱۸). مانند این موارد که تأثیری فرهنگی و اجتماعی بر کالبد روستاست، در بسیاری از نقاط کشور مشاهده می‌شود و هر اقدام توسعه‌ای باید آن‌ها را مد نظر قرار دهد.

مکان‌ها و مراسم مذهبی از دیگر عوامل فرهنگی بر کالبد روستاهای دارای ارزش هستند. حسینیه‌ها، تکایا، امام‌زادگان، مساجد، مراسمی مانند نخل گردانی و ... تأثیر زیادی بر شکل کالبدی روستا دارند. این مکان‌ها بیشترین تأثیر خود را در شکل‌گیری شبکه معابر روستایی می‌گذارند. در بسیاری از روستاها مشاهده می‌شود که شبکه معابر در مقابل مساجد عریض‌تر هستند و بسیار از معابر فرعی به امام‌زاده و یا سایر مکان‌های مذهبی روستا منتهی می‌شود.

عرصه‌های خصوصی و عمومی و به اصطلاح مسئله حریم و حجاب، تلفیقی از باورهای دینی و سنن محلی است که بر بافت روستاها مؤثر است و نکته حائز اهمیت اینکه در همه‌جای ایران یکسان نیست (حاجی‌ابراهیم‌زرگر، ۱۳۸۶: ۱۳۴). برای مثال در روستاهای کویری ورودی خانه‌ها تورفتگی دارد و رسیدن به خانه با گذر از هشتی و دالان‌های طویل امکان‌پذیر است؛ این در حالی است که در بخشی از روستاهای شاهسون‌نشین ساوه که عشایر تخته‌قاپو شده هستند، تفکیک حریم عمومی و خصوصی خانه‌ها امکان‌پذیر نیست؛ چرا که خانه‌سازی آن‌ها ادامه همان سنت سکونت چادرنشینی است.

بین گذشته و حال و فرسایش و انهدام فرهنگ و سیاق معماری بومی و صنایع مربوط به آن، لزوم توجه بیشتری به شناسنامه و علوم و فنون و کالبد معماری بومی را ایجاب می‌کند (مهریار، ۱۳۸۴: ۵۵).

برخی نموده‌های فرهنگ بومی در کالبد روستاهای با ارزش

معماری پدیده‌ای زنده است که تنها از طریق فعالیت انسان معنا می‌یابد. بنابراین باید بپذیریم که بازتاب کالبدی تمام ابعاد زندگی اعم از نیازها، باورها، اعتقادات و به‌طور کلی ارزش‌های بشری است (ربوبی، ۱۳۸۴: ۵۷-۵۸).

همان‌طور که در مفهوم روستا ذکر شد، روستا مجموعه‌ای از ساخته‌ها رفتارها و باورها در تعامل با محیط است. برخی ویژگی‌های روستا که متأثر از عوامل جغرافیایی است، ملموس بوده و آنچه فرهنگ و جامعه روستایی در آن نقش دارد، ناملموس است. مهم‌ترین وجه فرهنگی در روستاها و کلاً مجتمع‌های زیستی ایران، باورهای دینی و اسلامی است (حاجی‌ابراهیم‌زرگر، ۱۳۸۶: ۱۱۷). نمود این عوامل که بعضاً آمیخته با آموزه‌های شرعی است، در شکل‌گیری کلی بافت روستا، شبکه‌های دسترسی و همچنین الگوی مسکن قابل مشاهده است.

در این حال می‌توان معماری بومی را هموار کردن طبیعت برای پاسخ‌گویی به نیازهای مکانی دانست که با انتخاب و استفاده از مقدرات هر سرزمین پدید آمده است (مهریار، ۱۳۸۴: ۵۵).

نمونه‌هایی از تأثیرات فرهنگی بر شکل کالبدی روستا

طبیعی است که گردآوری و دسته‌بندی تمام آثار فرهنگی بر کالبد روستاهای باارزش نیازمند تحقیقی جامع است و در این نوشتار موارد عمومی و قابل تعمیم به

عامل	متغیر مؤثر	محل تأثیر	نمودها
فرهنگ دینی	مذهب	مجموعه بافت	- مسجد، شاخص‌ترین عنصر کالبدی روستا است و بر سیمای آن مؤثر است؛ - در برخی روستاها کنار چشمه‌ها و نهرها نمازخانه‌هایی دایر است؛ - درون بافت روستا، فضایی برای نمایش‌های آیینی مانند تعزیه وجود دارد؛ - حسینیه‌ها و تکایا در مناطق کویری، بعضاً دو طبقه و دارای محصوریت کامل هستند.
	مکان‌های مذهبی	شبکه معابر	- مسیری که عزاداران محرم از آن حرکت می‌کنند، غریض‌تر از سایر معابر روستاست؛ - مراسمی مانند نخل‌گردانی و تعزیه‌خوانی، یکی از عوامل پیدایش میدان‌گاه‌های وسیع در روستاست.
	مکان‌های مذهبی	محلات و مرکز محله‌ها	- در مواقعی که روستا بزرگ باشد، هر یک از محلات دارای یک مسجد است؛ - میدان‌گاه وسیعی مقابل مساجد یا حسینیه‌ها دیده می‌شود که اضافه بر ایفای عملکرد در ایام عزاداری محرم، محل تجمع اهالی نیز می‌باشد.
	باورهای مذهبی	کاربری زمین و توسعه بافت	- وجود اعتقادات مذهبی است که که کاربری‌هایی چون حسینیه، تکیه، زینیه، مهدیه و ... را در روستا ایجاد می‌کند؛ - بناهایی مانند امام‌زاده در روستاها به رشد و توسعه روستا کمک می‌کند.
احکام شرعی		الگوی مسکن	- ارتفاع دیوارها معمولاً بلند و کمترین بازشو را به بیرون دارند؛ - در بسیاری از روستاها، خانه‌ها از دو بخش بیرونی و اندرونی تشکیل شده و ورودی به آن‌ها با سلسله مراتب امکان‌پذیر است؛ - در برخی مواقع کوبه درها دارای تفکیک زنانه و مردانه است.

ج ۱. نمود فرهنگ دینی بر کالبد روستاهای با ارزش؛ منابع: حاجی ابراهیم زرگر، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷ تا ۱۶۱؛ احمدیان و همکار، ۱۳۸۸، ص ۱۴۸ تا ۱۵۰؛ علی‌الحسابی ۱۳۷۲؛ مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۶۷.

عامل	متغیر مؤثر	محل تأثیر	نمودها
فرهنگ دفاعی	امنیت مجموعه	مجموعه بافت	- پیدایش روستاهای قلعه‌ای؛ - احداث حصار و دیوار دور روستا و یا خانه‌خان‌ها و ارباب‌ها؛ - فشردگی بافت در روستاهای ناحیه کویری.
	امنیت مجموعه	شبکه معابر	- ایجاد معابر سروشیده برای جلوگیری از تاخت‌وتاز افراد سواره؛ - ایجاد معابر یا اختلاف سطح؛ - ایجاد معابر پنج‌دریچ و غیر مستقیم و ختم شریان اصلی روستا به قلعه؛ - پیدایش دربندها و کوچه‌های دردار؛ - ایجاد دسترسی‌های مخفی از زیرزمین خانه‌ها به یکدیگر.
	امنیت مجموعه	استقرار و توسعه بافت روستا	- کشاندن روستا به نقطه امن مثلاً در پناه صخره، کنار رودخانه، لبه پرتگاه و ... در زمره تمهیدات امنیتی برای کل مجموعه است.
	امنیت مجموعه	الگوی مسکن	- بدنه‌های مرتفع و غیرقابل دسترسی؛ - وجود بازشوهای کم و قرارگیری آن‌ها در ارتفاع بالا؛ - وجود مخفی‌گاه‌هایی در خانه‌ها برای پنهان کردن آذوقه و اشیا با ارزش.

ج ۲. نمود فرهنگ دفاعی و امنیتی بر بافت روستایی. منابع: همان.

عامل	متغیر مؤثر	محل تأثیر	نمودها
فرهنگ قومی	قشربندی اجتماعی	مجموعه بافت	- موقعیت خانه ارباب‌ها و خان‌ها از نظر جاگیری در روستا، دسترسی به منابع آب و امنیت کافی، ممتاز است؛ - سلسله مراتب اجتماعی نوع خاصی از اسکان را نظم می‌بخشد. نزدیکان خان، حول و حوش قلعه اربابی اسکان دارند و پس از آن بافت ساده و یکپارچه روستا شکل گرفته است.
	قشر بندی اجتماعی و روابط خویشاوندی	محلات و مرکز محله‌ها	- وجود اقوام مختلف در یک روستا، محلات مختلفی را تشکیل داده است؛ - مهاجرت سکنه جدید به روستا محلات متفاوتی را پایه‌ریزی کرده است؛ - اختلاف بر سر آب و برخی منازعات فامیلی موجب ایجاد برخی محلات شده است.
	قشر بندی اجتماعی و ساختار خانواده	الگوی مسکن	- خانواده گسترده روستایی در یک خانه و اتاق‌های مختلف آن اسکان دارند؛ لذا از باب سرانه زیر بنا و مساحت دارای تفاوت کلی با خانه‌های شهری هستند؛ - قشر خوش‌نشین که محروم‌ترین قشر روستا هستند، دارای خانه‌هایی با کیفیت پایین می‌باشند.

ج ۳. نمود فرهنگ قومی و طایفه‌ای بر بافت روستایی؛ منابع: همان.

قشربندی‌های اجتماعی و طایفه‌ای از نکاتی هستند که در فرایند توسعه مغفول می‌مانند. جامعه دهقانی مرکب از کدخدایان، مباشر، ارباب، رعیت و ... هر یک به‌نوبه خود بافت فیزیکی و سازمان فضایی روستا را تغییر می‌دهند. مقوله امنیت هم از مواردی است که تأثیر به‌سزایی بر کالبد روستاها دارد. این عوامل بر شکل کالبدی روستا،

فرهنگ در تحلیل نهایی بستگی دارد به غنی کردن و شکل دادن فرهنگ شخصی هر فرد به نحوی که قادر باشد فرهنگ خود را بیان کند و فرهنگ خود را تولید کند. پس دو عامل سرمایه‌گذاری بر مواریت فرهنگی و آموزش تخصصی دو راهبرد اساسی است.

نگاه مبتنی بر فرهنگ بومی به فناوری

فناوری، مجموعه‌ای از روش‌ها، تجربیات و علوم عملی است که مردم برای تسلط بر محیط و حل مشکلات مربوط به رابطه‌شان با محیط به کار می‌برند. تکنولوژی مناسب آن است که با بنیان‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه‌ای که از آن استفاده می‌کند، سازگار باشد.

فناوری مناسب برای توسعه مبتنی بر فرهنگ بومی چندین مزیت دارد: اول اینکه هرچه فناوری مورد استفاده، با نظام اجتماعی جامعه سنخیت بیشتری داشته باشد، این مسئله خود منجر به تقویت فرهنگ بومی شده و موجب کاهش از هم گسیختگی فرهنگی در جامعه گردیده است. دوم اینکه تناسب فناوری با فرهنگ موجود آن جامعه آسایش مردم منطقه را تضمین می‌کند (یونسکو، ۱۳۷۹: ۲۰). در واقع هدف فرهنگی برای فناوری مناسب در کشورهای در حال توسعه، این است که با آرزوها، فرهنگ و سنت‌های اجتماعی سازگار باشد و موجب از هم گسیختگی اجتماعی نگردد.

در بسیاری از موارد نیز فناوری بومی جوابگوی نیازهای منطقه حتی از جنس رفاه نیز هست. با این حال تب تند استفاده از ابزار مدرن در میان مسئولین، فناوری بومی را رو به زوال برده است. مراکز دانشگاهی برای حفظ تکنولوژی بومی مناطق در برخی نقاط وجود دارد. در شهرستان کوچک تفت، مرکز دانشگاهی قنات و سازه‌های آبی در پی حفظ این اعجاز است که شایسته تقدیر بوده می‌تواند الگوی خوبی در این زمینه باشد. جمع‌بندی این نکته به دو وجه بازخواهد گشت: در

شبکه معابر و الگوی مسکن مؤثرند که قابل جمع‌بندی به صورت ذیل هستند (جدول‌های ۱ تا ۳):

البته موارد بیان شده کلی بوده و بعضاً پیچیدگی‌های زیادی در فرهنگ جوامع روستایی وجود دارد که توجه به آن‌ها در فرایند توسعه ضروری است.

چگونگی رویکرد به فرهنگ بومی در روستاهای واجد ارزش

توسعه مبتنی بر فرهنگ بومی در قالب اهمیت دادن به ارزش‌های محلی و ملی، باید بتواند از طریق برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی به نیازهای معنوی و مادی افراد جامعه خود پاسخ دهد، تا از این طریق ایده‌ها، افکار و آداب و رسوم بومی جامعه خود را در قالب ارتباطات نمادین فرهنگی و نشانه‌های بومی عرضه نماید. مقوله امنیت هم از مواردی است که تأثیر به‌سزایی بر کالبد روستاها دارد. این عوامل بر شکل کالبدی روستا، شبکه معابر و الگوی مسکن مؤثرند که قابل جمع‌بندی به صورت ذیل هستند (جدول‌های ۱ تا ۳):

البته موارد بیان شده کلی بوده و بعضاً پیچیدگی‌های زیادی در فرهنگ جوامع روستایی وجود دارد که توجه به آن‌ها در فرایند توسعه ضروری است.

چگونگی رویکرد به فرهنگ بومی در روستاهای واجد ارزش

توسعه مبتنی بر فرهنگ بومی در قالب اهمیت دادن به ارزش‌های محلی و ملی، باید بتواند از طریق برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی به نیازهای معنوی و مادی افراد جامعه خود پاسخ دهد، تا از این طریق ایده‌ها، افکار و آداب و رسوم بومی جامعه خود را در قالب ارتباطات نمادین فرهنگی و نشانه‌های بومی عرضه نماید. است که بهره‌بردار از طریق آن‌ها به تعیین وضع خویش در محیط می‌پردازد و بنا به نیاز، استعداد و قابلیتش در آن غوطه می‌خورد، تا خود را بیان کند. توسعه مبتنی بر

صورت رفع نیاز (از جنس رفاه) ساکنان، فناوری بومی حفظ گردد و در غیر این صورت فناوری، نسبت به موقعیت مکانی مورد نظر بومی گردد.

اقتصادی کردن نگرش فرهنگی (گردشگری)

در ابتدای نوشتار سه مرحله نیاز بررسی شد که یکی از آن‌ها نیازهایی از جنس رفاه است. نیاز از جنس رفاه زمانی ارضا خواهد شد که از نظر اقتصادی، شرایط با ثباتی در محیط حاکم باشد.

هر نگاه اقتصادی نیازمند سرمایه است. از آنجا که این نوشتار مربوط به رویکرد فرهنگی است، لذا سرمایه مد نظر جهت استفاده اقتصادی، سرمایه‌های فرهنگی است. در روستاهای دارای ارزش این سرمایه‌ها در سه حالت موجود است: ۱- سرمایه‌های کالبدی که از آن جمله می‌توان به بناهای تاریخی موجود در روستاها، بافت اصیل آن‌ها (مثل روستای عقدا از توابع اردکان)، اماکن زیارتی (مثل روستای زرجوع که عبادتگاه زرتشتیان است)، منظر بصری (مثل روستای زیارت) و ... اشاره نمود؛ ۲- کالاهای فرهنگی که در واقع همان صنایع دستی روستایی است؛ ۳- فعالیت‌ها و آداب و رسوم محلی، جشن‌ها و مناسبت‌های مذهبی و ... در حیطه این دست سرمایه‌ها هستند.

نکته حائز اهمیت در استفاده کردن اقتصادی از این سرمایه‌هاست که با نیرو محرکه گردشگری قابل بررسی است. در گردشگری فرهنگی اشاره به جذابیت‌های فرهنگی هر جامعه باید کرد. در مناطق در حال توسعه از جمله ایران، این جذابیت‌ها به صورت اماکن تاریخی و زیارتی، هنرهای دستی، فعالیت‌های فرهنگی و محلی، جاذبه‌های طبیعی و بصری و ... قابل بررسی است. گردشگری فرهنگی از نظر ماهیت، افراد متعلق به فرهنگ‌های مختلف، و گروه‌های مذهبی- سنتی و کسانی که به سیستم اقتصادی پیشرفته تعلق دارند، همه را در یک جا گرد هم می‌آورد. گردهمایی این افراد مختلف در

بستر یک تجربه گردشگری، می‌تواند اثرات بالقوه زیادی، به‌ویژه در جامعه سنتی و محلی داشته باشد. گردشگری فرهنگی فرصت‌هایی را به وجود می‌آورد که افراد متعلق به فرهنگ‌های گوناگون بتوانند یکدیگر را درک کنند و به غنای فرهنگ یکدیگر پی ببرند؛ البته گاهی هم این کار موجب سوء تفاهم و یأس طرفین می‌شود. در واقع گاهی این عامل محرک مانند تیغ دو لبه است. هنگامی که از فرهنگ به عنوان یک عامل جذب استفاده می‌شود، اثراتی چون افزایش حمایت از فرهنگ سنتی، به نمایش گذاردن هویت قومی و تجدید حیات هنرهای سنتی و ... قابل بررسی است. هنگامی که بین گردشگران و ساکنان تماس مستقیم صورت می‌گیرد، باعث می‌شود که از نظر تعامل فرهنگی، نموده‌های منفی از بین رفته و فرصت‌های اجتماعی افزایش یابد. گردشگری و توسعه مبتنی بر فرهنگ باعث ایجاد این عامل شده که در مشاغل، ساختار اقتصادی و در نقش‌های اجتماعی تغییر ایجاد شود، این عامل مؤثر، فرصت‌های جدید اجتماعی و اقتصادی را ایجاد کرده و باعث کاهش نابرابری‌های اجتماعی می‌شود. عامل دیگری چون توسعه زیرساخت‌های گردشگری با پیامدی چون افزایش محل‌های گردشگری و تفریح، تشکیلات بهداشتی و آموزشی برای بالا بردن کیفیت زندگی همراه است.

اصول حفاظت از ارزش‌ها در جهت توسعه با نگاه به فرهنگ بومی

دیدگاه‌های حفاظت‌گرا و ویژگی‌های آن‌را می‌توان این گونه برشمرد:

شرایط و ارزش‌های فرهنگی در شکل‌دهی فضا، عامل غالب تلقی می‌شود. «عامل فرهنگ» بر همه زمینه‌ها غلبه دارد و مقوله اقتصاد جایگاه پایین‌تری دارد. در واقع ارزش‌گذاری بیش از اندازه و نگرش موزه‌ای به بافت و فضا؛ اما این نگرش با نیازهای آسایشی و سایر نیازهایی

شناسایی مواردی مانند اصول حاکم بر بافت‌های تاریخی روستایی و طبقه‌بندی آن‌ها، بررسی چگونگی پاسخ‌گویی به این ارزش‌ها در ساخت‌وسازهای جدید، شناسایی ویژگی‌های خاص هر منطقه و هم‌گامی نهادهای مرتبط در امور بافت ارزشمند؛

در اولویت قرار دادن صنعت گردشگری در برنامه‌های توسعه، همان‌طور که در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه این نگاه به بافت با ارزش روستاها شده است (حناچی و همکاران، ۱۳۸۶).

با این تفسیر باید گفت:

حفاظت محض یا همان دیدگاه موزه‌ای، آسیب‌های فراوانی به‌همراه خود دارد. براساس این رویکرد، اجازه‌ای برای دخالت در بافت داده نمی‌شود و در نهایت باعث کاهش کیفیت زندگی خواهد شد. از طرفی رویکرد صرفاً اقتصادی به بافت تاریخی، نه‌تنها ارزش‌ها و هویت را از بین می‌برد بلکه مانع امکان پیوند آن با بافت امروز هم می‌شود. نتیجه اینکه نگاه ما برای مداخله در بافت روستایی، باید نگاه حفاظتی مبتنی بر توسعه و همگون با نگرشی فرهنگی باشد.

از اصول ارائه شده در این بند، توجه به فرهنگ بومی برای دخالت در بافت روستایی قابل دستیابی است که در ادامه، اصول و چارچوب نظری آن تبیین می‌شود.

ضرورت رجوع به فرهنگ بومی در توسعه روستایی

تا قبل از انقلاب صنعتی، تغییرات در محیط مصنوع به آرامی صورت می‌گرفت ولی پس از آن به‌واسطه بین‌المللی شدن، استاندارد سازی تیپ ساختمانی، کنار گذاشتن سنت‌های بومی و حاکمیت ماشین، این روند توسعه یافت (carmona, 2003). توسعه‌های جدید با نادیده گرفتن بستر طبیعی و مصنوع و به‌تبع آن فرهنگ به‌عنوان محصول طبیعت، تعارضی بین ویژگی‌های کالبدی و عینی روستا و ذهنیت مردم ایجاد نمود و نتیجه

که به‌عنوان اصول طرح‌ریزی صحیح کالبدی بیان شد، مغایر است.

چگونگی برخورد حفاظت و توسعه دو دیدگاه را روشن می‌سازد که اولی "توسعه مبتنی بر حفاظت" و دومی "حفاظت مبتنی بر توسعه" است. در حالت اول توسعه مقدم بر حفاظت اما در حالت دوم حفاظت از همه ارزش‌ها در عین توسعه مدنظر است که طبیعتاً طراح را با محدودیت‌هایی مواجه می‌کند و این محدودیت‌ها، عامل بر رها کردن بافت با ارزش نخواهد بود (مختاری، ۱۳۸۶). با توجه به مطالب بیان شده در بندهای قبل، برای روند دخالت و طرح‌ریزی توسعه‌ای با گرایش حفاظت مبتنی بر توسعه روستایی، اصول زیر با توجه به نظر صاحبان اندیشه، قابل دستیابی است:

الف- توجه همه‌جانبه به ارزش‌های بافت با ارزش و عناصر آن، از راه تدوین راهبردهای توسعه با نهادهای مسئول و تلفیق آن‌ها در قالب یک بیانیه مشترک و سپس پایبندی به سیاست‌های فوق در برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی کالبدی و اجرا توسط سازمان‌های مربوطه (صحی‌زاده و ایزدی، ۱۳۸۳)؛

ب- هر نوع طرح توسعه‌ای باید ارزیابی خود را از میزان تأثیر بر بافت ارزشمند روستایی بیان نماید. لذا در هر صورت و در هیچ شرایطی نباید بافت تاریخی به‌عنوان سیستمی متنوع از دگرگونی‌های کل نظام روستا پنداشته شود، بلکه برعکس باید اثری قاطع در فرایند توسعه پایدار روستایی بیابد (امین‌زاده، ۱۳۷۶)؛

ج- توسعه باید بحث‌های حیات‌بخشی، احیا و خروج از سکون و ایستایی را در برگیرد و در کل پدیده‌ای پویا باشد که بیشتر به آینده می‌نگرد ولی از گذشته نبریده است. در واقع عطف به مفهوم روستا، در احیای فرهنگ بومی تأثیرگذار باشد. ه- توجه به الگوسازی و تأسیس مراکز مطالعاتی برای

آن، مخدوش شدن هویت مکانی روستا، به خصوص روستاهای دارای ارزش تاریخی بود. این توسعه‌ها به دلیل سازگاری اندک با بستر فرهنگی و هویت بومی و همچنین حداقل تناسب با اقلیم در نهایت منجر به محو حس تعلق خاطر بهره‌برداران شده که محصول آن مهاجرت‌های بی‌رویه و سکون روستاهاست. از این‌رو هرگونه طرح توسعه‌ای چه بر مبنای تعریف زیرساخت‌های جدید و چه احیای بافت اصیل روستا، باید در چارچوب «بوم» با تعریف ذکر شده از آن قرار گیرد.

نقش فرهنگ بومی در توسعه پایدار روستایی

هدف از توسعه را باید تأمین نیازهای اجتماعی انسان در محیط دانست. از این منظر توسعه ضروری است؛ لکن بی‌توجهی به بستر مصنوع و فرهنگ به‌عنوان محصولات تعامل با طبیعت، در واقع هویت مکان به‌عنوان پیش‌نیاز زندگی اجتماعی را از بین برده است (نقصان‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۹). با این توضیح لازم است که توسعه در روستاهای واجد ارزش با ایجاد بستر مناسب فرهنگی و برگرفته از ویژگی‌های بوم صورت پذیرد. بوم را می‌توان نتیجه تعامل انسان با طبیعت دانست که حاصل آن به‌وجود آمدن یک فرهنگ است (حناچی و همکار، ۱۳۹۱: ۶۲).

با آغاز هزاره سوم و ورود به عصر جهانی شدن، نگرش‌های منطقه‌گرایی و رویکردهای «جهانی-بومی» به رسمیت شناخته شدند (برگر و همکار، ۱۳۸۴: ۲۸). جهانی شدن و موضوع چند جهانی، مواجهه طراحان با زمینه و بستر را متأثر از شیوه تعامل محیط و فرهنگ می‌داند و با هدف ارتقای کیفیت هر دوی آن‌ها، بر حوزه اندیشه و عمل معمارانه سایه افکنده است (Rapoport, 1990). با این توصیف رویکردهای مختلفی بر پایه تعامل طراحی و فرهنگ بنا شده و در این میان «رجوع به فرهنگ بومی» براساس توجه به ویژگی‌های محیط و انسان یا به عبارتی بستر محلی شکل گرفته است. آنچه کلید توسعه پایدار در

روستاهای با ارزش تلقی می‌شود، در واقع همین توجه به «محیط و انسان» است که در حقیقت اصول و محورهای توسعه پایدار را تشکیل می‌دهند. از این‌رو در صورت توجه و التزام به توسعه پایدار، طبیعتاً حفاظت و احیای میراث با ارزش هم در اولویت خواهد بود.

جایگاه فرهنگ بومی در حفظ و احیای روستاهای واجد ارزش

حفظ و احیای بافت تاریخی فرایندی جامع و یکپارچه است که به تحلیل مشکلات بافت پرداخته و از طریق پیشرفت وضع اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی، سبب احیای همه‌جانبه بافت می‌شود (Roberts, 2003). با توجه به مفهوم توسعه که در ابتدای تقریر بیان شد، می‌توان احیای بافت اصیل روستایی را گامی در جهت توسعه نیز دانست. البته این رویکرد مفاهیمی مانند بهسازی، نوسازی، توانمندسازی و روان‌بخشی بافت را نیز در بر می‌گیرد (Lichfield, 2000). بنابراین حفظ و احیای بافت با ارزش، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین رویکردها در حفاظت ارزش‌ها و توسعه، تحلیل دقیق منطقه هدف و تطابق آن با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را دنبال می‌کند (امین‌زاده و همکار، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

در فرایند حفظ و احیا، خصوصاً در روستا با توجه به مفهوم آن، عامل فرهنگ بومی یک راهبرد توسعه‌ای بسیار مهم از مقیاس محلی تا جهانی است (Bird et al, 1993). سکونت‌گاه‌های اروپایی نیز هم‌زمان با دگرگونی‌های اقتصادی، فرهنگ را نیز به‌عنوان یک سرمایه مادی مورد توجه قرار دادند (Bianchini, 1993). تاریخچه احیای فرهنگ مدار، به دهه ۱۹۹۰ میلادی بازگشته و به‌عنوان گزینه‌ای موفق در عرصه حفاظت و مرمت بافت تاریخی مطرح شده است (Kearn & Philo, 1993).

امتياز احيا با نگرش فرهنگ مدار اين است که توسعه فرهنگی سازگار با بافت دارای ارزش و همچنین حفاظت

پاسخ‌گویی به نیاز در فرایند توسعه و حفاظت، با توجه به مفهوم مکان

هر دخالت و توسعه در پی پاسخ به یک نیاز شکل می‌گیرد. هر چه هم بررسی‌های فرهنگی و فرایند خلاقه مناسب باشند ولی احیای بافت برای توسعه با همه ابعاد آن، در پاسخ به نیازی تعریف نشود، بی‌شک شکست خورده است. در ابتدای همین تقریر، تعریفی ارائه گردید و روستا، مجموعه‌ای از رفتارها و باورهای انسانی در تعامل با محیط و شاخصه‌های بومی معرفی شد. لذا می‌توان آن‌را سرشار از حس مکان نامید. از این‌رو لازم است تا در حفظ و احیای روستا، چه در ابعاد بافت و چه در حد بنا، به تمام مؤلفه‌های حس مکان توجه شود.

برخی از حوزه روانشناسی مانند کانتز فضا را تلفیقی از کالبد^۱، فعالیت^۲ و تصورات^۳ دانستند. جان پانتر هم مدلی مشابه برای حس مکان^۴ ارائه داده و سه مؤلفه کالبد، فعالیت و معنا^۵ را بیان کرده است (گلکار، ۱۳۷۹: ۵۴). در مدل کانتز علاوه بر تطابق مؤلفه‌ها در ایجاد مکان، ارتباط دو به دو هر یک از مؤلفه‌ها نیز مهم شمرده می‌شود. چنان‌که هر چه میزان اشتراک نسبی مؤلفه‌های کالبد و فعالیت یا کالبد و معنا و نیز فعالیت با معنا بیشتر باشد، در فصل مشترک سه مؤلفه یعنی مکان تأثیر بیشتری خواهد داشت، در حالت اشتراک کمتر نیز عکس این حالت رخ می‌دهد.

می‌توان گفت در حفظ، احیا و اعطای کارکرد در بافت با ارزش باید دو نکته رعایت شود:

- تا حد امکان تلاش شود کارکرد جدید معنای مغایر با معنای موجود بنا نداشته باشد؛

- کارکردها انعطاف لازم را برای تغییر داشته باشند.

احیای فرهنگ‌مدار، گامی در جهت توسعه پایدار

توسعه روستایی پایدار، کیفیت زندگی انسان در فضای روستایی را مورد نظر قرار داده و از طرف دیگر به محیط زیست و مصنوعات متصل به فرهنگ آسیب

از میراث توأمان انجام می‌گیرد و مفهوم توسعه و میراث فرهنگی، همراهی دارند (Smith, 2007).

احیای روستای دارای ارزش وجود دارد، با توجه به معنا فرهنگ، به‌عنوان مجموعه‌ای از باورها، دانش‌ها، معارف، آداب و رسوم و ارزش‌هایی که جامعه بر مبنای اعتقادش آن‌را تکامل می‌بخشد، در گرو آن است که برنامه‌ریزان و طراحان احیا، قادر به انتخابی باشند که بر باورهای زیر اتکا دارد (Middleton & Freestone, 2008):

خلاقیت متناسب با مکان

منظور از خلاقیت تفسیری نو از اصول اصیل فرهنگی و باورهای حقیقی است؛ فرایند خلاقه به‌دنبال شناخت حقیقی نیاز منطقه است و راهکار یک مکان را به مکان دیگر تعمیم نمی‌دهد.

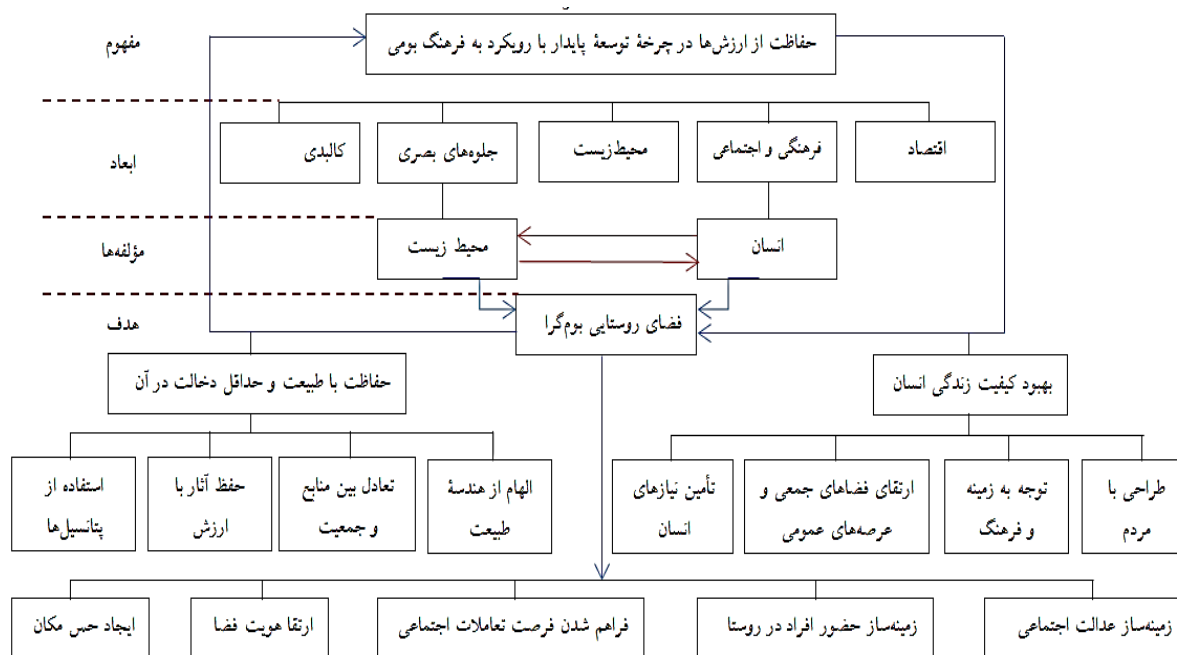
امروزه مفهوم مکان در ادبیات معماری از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است و اضافه بر داشتن با فلسفی یک مفهوم عمیق روانشناسی است. مفهوم مکان از نیمه دوم قرن بیستم در معماری و جغرافیا بیشتر مورد توجه قرار گرفت و روانشناسان محیطی، مکان را وسیله تقرب به مفاهیم تازه در حوزه شناخت، طراحی معماری و شهرسازی قرار دادند (امین‌زاده و همکار، ۱۳۹۱: ۱۰۱). برخی دیگر بر این اعتقاد هستند که مفهوم مکان می‌تواند به حفاظت و دخالت در مکان‌های با ارزش موجود، احیای آن‌ها و خلق فضایی تازه کمک کند. از این‌رو هر مکان، راهکار ویژه خود را طلب می‌نماید.

شناخت ارزش‌ها و باورهای بافت

اجماع نظر از طریق گفتگو فرایندی غیرخطی است که از طریق آن می‌توان به ارزش‌های پنهان و ادراکی جامعه پی برد. در واقع گفتگو در این مبحث به‌معنای بررسی ارزش‌ها و باورهاست. برخی از آن‌ها در بندهای قبل بیان شد (جدول‌های ۱ تا ۳).

نمی‌رساند (رهنمایی و همکار، ۱۳۸۵: ۱۸۰). با این نظر و بررسی قاعده طلایی تیبالدز (۱۳۸۱) با عنوان "place matter most" یعنی موضوع اصلی مکان، بیانگر این ایده است که زمینه‌ها و بوم، اولین مؤلفه‌های سازنده احیای پایدار یک بافت است (زاهدی و همکار، ۱۳۸۵: ۵۴). در این راستا طراحی بوم‌گرایانه، به موازات توجه به طبیعت و ساخته‌های همگون با آن، مسائل اجتماعی و انسانی را هم مد نظر دارد و هدف از تأکید بر روی این جنبه‌ها، ایجاد و حمایت بافتی فعال و فضایی زنده است که کیفیت بالایی را برای زندگی به وجود می‌آورد (تقدسی، ۱۳۸۱: ۲۸۰). این همان چیزی است که مد نظر توسعه نیز هست. آنچه از این مبانی قابل درک بوده این است که فرایند احیا باید رویکرد اجتماعی و فرهنگی را مبنا قرار داده و مخاطب و گردشگر را با دنیای معنایی استفاده‌کنندگان از فضا آشنا نموده و در پس آن به معرفی معماری و سایر مصنوعات بشری بپردازد. ذکر این جمله بر روی کاغذ کار راحتی است و اجرای آن نیازمند فرایند خلاقه‌ای است که در

بحث خلاقیت متناسب با مکان به آن اشاره شده است. بنا بر آنچه بیان شد، حفاظت، احیا و توسعه بر مبنای فرهنگ بومی، بر فرایند زندگی و هم‌سازی انسان با طبیعت و تعامل میان آن‌ها تأکید دارد تا بدین‌وسیله کمترین تأثیرات سوء محیطی را ایجاد کند و شامل پاسخ‌گو بودن طراحی به زمینه بومی در جهت تقویت حس مکان، طراحی با طبیعت و استفاده از فرم‌ها و فرایندهای طبیعی، توجه به جنبه‌های عینی طبیعت و اهمیت دادن به مردم در فرایند طراحی باشد (Van der ryyen, 1994). در واقع حفاظت و توسعه باید هم‌سو با مفهوم پایداری باشد. بر این اساس و گفته‌های این بند در احیا و توسعه بافت روستایی با این رویکرد توجه به جنبه‌های اکولوژیک، طراحی با طبیعت، الهام از هندسه طبیعت، محلی بودن راه‌حل‌ها، طراحی با مردم، حفظ سنت‌ها و آثار با ارزش و کاهش حداقل توسعه افقی باید مورد تأکید قرار گیرد. (نمودار شماره ۲) کلیات مورد نیاز توسعه پایدار و بومی را در روند احیا نشان می‌دهد.



ن ۲. حفاظت از ارزش‌ها در چرخه توسعه پایدار با تکیه بر فرهنگ بومی

با توجه به اینکه حوزه این تحقیق بافت‌های روستایی است، کاربرد هر یک از رویکردهای سه‌گانه فوق به ویژگی‌های مکانی، ساختار فضایی و خصوصیات جامعه محلی آن وابسته است. در برخی موارد هر سه رویکرد مورد توجه است و به‌طور هم‌زمان به‌کار گرفته می‌شود. این پژوهش حفظ و احیای بافت روستایی در فرایند توسعه را در نظر دارد و از این‌رو موضوعات و راهبردهای اقتصادی- اجتماعی، کالبدی- عملکردی و معنایی- هویتی برای بسط آن در (جدول شماره ۵) ارائه می‌شود.

حوزه	راهبردهای تعاملی احیا با نگرش فرهنگی و منکی به گردشگری در فرایند توسعه
عملکردی و کالبدی	- نو شدن با اتکا به گذشته - احیا بناها با مطالعه بر روی نیازهای ساکنان - ارتقا جاذبه‌ها با تکیه بر گردشگری - تداوم ارتباط و اتصال میان فضاهای گسسته بافت برای ایجاد وحدت فضایی مناسب‌تر
معنایی و هویتی	- استفاده از نمادهای کالبدی جهت تداعی هویت تاریخی - ارتقای جذابیت‌ها از طریق تأکید بر لایه‌های تاریخی - توجه به حس تعلق خاطر ساکنان در محدوده بافت تاریخی - توجه به حرمت مکان‌ها، مراسم و ... هدایت گردشگران برای احترام به این ارزش‌ها
اجتماعی و اقتصادی	- توجه به میراث فرهنگی به‌عنوان ابزار توسعه جامعه محلی - توجه به نقش مردم و استفاده از مشارکت مردمی در احیا بافت‌ها واجد ارزش - به‌کاربردن اقدامات اقتصادی مؤثر برای نشان دادن صرفه احیا بناها و بافت‌های تاریخی - فراهم آوردن امکانات مناسب فرهنگی و آموزشی برای ساکنان و ارتقای سطح زندگی مطلوب اقتصادی

ج ۵. راهبردهای حفظ و احیا در فرایند توسعه در تعامل با نگرش فرهنگی.

مباحث

رویکرد به فرهنگ بومی نیازمند پژوهش‌های محدودتری نیز می‌باشد که مباحث اصلی آن به‌همراه راهبردها در این نوشتار آمده است. برخی از مواردی که باید با دقت بیشتری بررسی شود در موارد زیر خلاصه می‌گردد:

- رویکرد به فرهنگ بومی باید به چرخه مطالعات توسعه روستایی در تهیه طرح‌های هادی، ساختاری و راهبردی وارد شود و قرائت جدیدی از رابطه انسان،

تعامل حفظ و احیای بافت تاریخی روستایی و گردشگری فرهنگی به‌عنوان نیرو محرکه حفاظت و توسعه

بدون در نظر گرفتن فرهنگ و اجتماع دستیابی به حفاظت و احیای جامع، غیر ممکن است. در این میان نقش گردشگری به‌عنوان استراتژی اساسی در احیا مطرح می‌شود (Smith, 2007). مهم‌ترین راهبردهای گردشگری فرهنگی را در موارد زیر می‌توان خلاصه نمود (امین‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۲):

- احیای ارزش‌های فرهنگی، تاریخ و شیوه زندگی گذشتگان و رویدادها و خاطرات جمعی؛

- ایجاد پیوند بین جاذبه‌های فرهنگی، از طریق گره‌ها و شبکه‌های گردشگری در روستا؛

- احیا و گسترش محورهای فرهنگی، تاریخی و پهنه‌های گردشگری با در نظر گرفتن موقعیت قرارگیری جاذبه‌ها.

در واقع احیای فرهنگ محور از سرمایه‌های اجتماعی محلی سود می‌برد و از گردشگری به‌عنوان نیرو محرکه حفظ و احیا استفاده می‌کند (تقوایی، ۱۳۷۸). در این میان، احیا بر مبنای نگرش‌های فرهنگی دارای رویکردها و ملاک‌هایی است هر چند ممکن است قابل تعمیم به همه روستاها و بافت‌های با ارزش نباشد. اساس این رویکردهای سه‌گانه در (جدول شماره ۴) قابل جمع‌بندی است (Ashworth & tubridge, 2000).

رویکرد	تمرکز	ملاک انتخاب	متخصص تشخیص	هدف
تولیدات میراثی	صنایع دستی	بازاریابی	بهره‌بردار	حفاظت از مشاغل سنتی و درآمدزایی
مرمت	محوطه‌های تاریخی	کیفیت و قدمت	متخصص مرمت	بقای بناها و حفاظت از میراث فرهنگی
حفظ و احیا	فضاها و رویدادها	کیفیت و قدمت بافت	متخصص مرمت و طراحان شهری	حفظ و احیا بافت تاریخی و فرهنگ ورای آن

ج ۴. رویکردهای احیا با نگرش فرهنگی؛ منبع: Ashworth & tubridge, 2000

طبیعت و محیط زیست را در بستر تعاملات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی روستا ارائه نماید.

حریم‌گذاری بر ثروت‌های فرهنگی خواه بافت معمارانه، چشم‌اندازهای محیطی و یا صنایع دستی باید در دستور کار قرار گیرد.

- هدف، احیا برای مردم، متناسب با مردم و در مورد آن‌ها باشد که این به معنی توجه به تساوی حقوق، جنسیت، گروه‌های درآمدی و غیره است. لذا در این رویکرد توجه به نیازهای انسان به‌طور عام و خصوصاً نیازهای انسان معاصر بسیار ضروری است چرا که طراحی برای استفاده در زمان حال و آینده است، نه گذشته.

- ارزش مکان و مکان‌سازی با توجه ویژه به بوم و ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد آن مد نظر قرار گیرد که در این راستا ارزش‌های کالبدی، صنایع دستی و آداب سنتی حائز اهمیت می‌باشد.

با توجه به مطالب فوق می‌توان به این حقیقت پی بُرد که هدف از ایجاد فضاهای بوم‌گرا در توسعه‌های جدید روستایی، فقط حفظ ارزش‌ها نیست بلکه بازشناسی آن‌ها در بخش‌هایی جدید است. لذا در این بین نقش تأثیرگذار برنامه‌ریزان حائز اهمیت است.

نتیجه

برای احیا و به‌روز نمودن بافت‌های با ارزش روستایی باید علاوه بر پاسخ‌گویی نیازهای ساکنان، رجوع معناداری به هویت تاریخی بافت شود. یکی از رویکردهایی که در سال‌های اخیر به‌عنوان ابزاری برای احیا خصوصاً در بُعد روستایی در جهان صورت گرفته، استفاده از محرک‌هایی چون گردشگری فرهنگی است. این رویکرد، راهی برای احیا و بهبود کیفیت زندگی در روستا از طریق بهبود و توسعه خصوصیات ویژه ارزش‌های تاریخی و جاذبه‌های فرهنگی مکان است. البته در کنار آن، کاربری‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، سبب

حفاظت و توسعه مقوله فرهنگ خواهند شد. طبیعتاً جلب سرمایه به رشد اقتصادی کمک نموده و تغییراتی در مدیریت ایجاد می‌نماید که پویایی و حیات دوباره به بافت خواهد داد. کاربرد این رویکرد فرهنگ‌مدار نیازمند شناسایی خصوصیات منحصر به فرد هر بافت روستایی است و با این رویکرد، تعامل میان احیا و گردشگری از یک سو و حفاظت در عین توسعه از سوی دیگر ایجاد می‌شود. واضح است که منظور از توسعه به توجه به مفهوم پایداری و بوم‌گرایی با توجه به تعریف روستا، نمود دارد. در واقع تحقق موارد زیر برای احیا با رویکرد به فرهنگ بومی نیاز است:

- مستند سازی عناصر با ارزش روستا در حوزه‌های کالبدی، کالاهای فرهنگی و یا آداب و رسوم محلی؛
- اجرای فرایند حفاظت از آثار با ارزش و احیای هویت آن به‌عنوان سند افتخار بومی؛

- مطرح نمودن فرهنگ با ارزش روستا در رسانه‌ها و ...؛
- آموزش مردم و مدیران روستا در راستای حفظ و تکامل تکنیک‌ها و ساخت مایه‌های بومی؛

- تکیه بر محرک گردشگری که از یک‌سو منجر به توسعه اقتصادی می‌شود و از طرف دیگر به دلیل اینکه حضور گردشگر نیازمند زیرساخت‌های مناسب از قبیل بهداشتی، تفریحی و ... است، به توسعه اجتماعی منجر می‌گردد.

موارد فوق در واقع بسترسازی و استفاده از فرهنگ بومی به‌عنوان یک سرمایه است که آن‌را سرمایه فرهنگی می‌نامیم. در این حالت پاسخ‌گویی به نیازهای ساکنین خصوصاً از جنس رفاه با استفاده از محرک گردشگری قابل دستیابی است. ورود گردشگر موجب توسعه زیرساخت‌های اجتماعی شده که جامعه روستایی هم از آن بهره خواهد برد. مسلماً فضاهای جدید روستایی، شکل کاملاً سنتی یا شکل کاملاً جهانی نیست بلکه شکل جدیدی است که در مواجهه آگاهانه با عوامل جدید توسعه و تداوم گذشته،

- پاپلی یزدی، محمد حسین؛ ابراهیمی، محمد امیر، (۱۳۸۷)، نظریه‌های توسعه روستایی، نشر سمت: تهران.
- پرتوی، پروین. (۱۳۸۲)، مکان و بی‌مکانی: رویکردی پدیدارشناسانه، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱۴، دانشگاه تهران، ص ۵۰ تا ۵۰.
- پهلوان، چنگیز، (۱۳۸۱)، «مجموعه مقالات توسعه فرهنگی»، ترجمه احمد صبوری، به کوشش شهر آشوب امیرشاهی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
- تقدسی، رعنا. (۱۳۸۱)، بررسی اصول طراحی و برنامه‌ریزی شهر پایدار، مجموعه مقالات اولین جشنواره دانشجویی معماری و شهرسازی، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- تقوایی، محمد. (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری شهری، نشر پیام علوی، اصفهان.
- تولایی، نوین. (۱۳۸۸)، بوم‌شناسی شهری، جزوه درسی دانشگاه یزد.
- تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۱)، شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، نشر خاک، تهران.
- چیتامبار، جان‌بندیک. (۱۳۷۳)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه احمد حجاران و مصطفی ازکیا، نشر نی، تهران.
- حاجی‌ابراهیم‌زرگر، اکبر. (۱۳۸۶)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، چاپ چهارم، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- حبیب، فرح. (۱۳۸۶)، رویکرد پایداری در متن شهرسازی، مجله علوم، تکنولوژی و محیط زیست، دوره نهم، شماره ۱، تهران.
- حبیبی، محسن؛ مقصودی، ملیحه. (۱۳۷۰)، مرمت شهری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- حسینی‌ابری، سیدحسن. (۱۳۷۸)، روستا در مفهوم واقعی آن، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۲ و ۵۳، ص ۵۱.
- حناچی، پیروز و همکاران. (۱۳۸۶)، «حفاظت و توسعه در ایران»، تجزیه و تحلیل تجارب مرمت شهری در ایران و جهان، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۳۲، زمستان ۸۶، صص ۵۱ تا ۷۰.
- حناچی، پیروز؛ کوششگران، علی‌اکبر. (۱۳۹۰)، حفاظت و توسعه در بافت‌های با ارزش روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- خادم‌آدم، ناصر. (۱۳۷۵)، اصلاحات در سیاست و توسعه، نشر اطلاعات، تهران.
- ربوبی، مصطفی. (۱۳۸۴)، معماری بومی و کاربرد آن در شناخت دیروز، امروز و فردای معماری، ارائه شده در کتاب معماری بومی (صص ۷۱ تا ۷۱)، نشر مؤسسه علمی و فرهنگی فضا، تهران.

جهت انتقال به آینده به وجود می‌آید. از این رو ضرورت طراحی و احیای بوم‌گرایانه در این است که تداوم ارزش‌های امروز را در راستای دیروز و برای فردای جامعه روستانشین به اثبات می‌رساند. فضای روستایی بوم‌گرا در راستای راهبردهای نظارت، خودبسندگی، کارایی منابع، تنوع و انتخاب، توجه به نیازهای انسانی، انعطاف‌پذیری، کاهش آلودگی، تشخیص و حمایت زیستی شکل گرفته و با معیارهای کالبدی، عملکردی و معنایی به عنوان مولفه‌های مکان روستا قابلیت تحقق پیدا می‌کند.

پی‌نوشت

1. Physical attributes
2. Activities
3. Conception
4. Sense of place
5. Meaning

فهرست منابع

- آقایاری‌هیر، محسن. (۱۳۸۷)، تبیین رویکردهای طرح‌ریزی کالبدی، فصل‌نامه آبادی، تحقیقات مسکن، شماره ۵۹، سال هجدهم.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمان. (۱۳۵۲)، مقدمه ابن‌خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج. ۱، بنگاه ترجمه و نشر کتاب (سابق)، تهران.
- احمدیان، رضا؛ محمدی، حمید، (۱۳۸۸)، بافت‌شناسی روستایی کشور، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی، نشر اطلاعات، تهران.
- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۱)، معماری راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن، ترجمه مهرداد قیومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- امین‌زاده، بهرام. (۱۳۷۶)، فرایند طراحی و برنامه‌ریزی شهری، مجموعه مقالات همایش تخصصی بافت‌های شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- امین‌زاده، بهناز؛ دادرس، راحله. (۱۳۹۱)، بازآفرینی فرهنگ‌مدار در بافت تاریخی شهر قزوین با تأکید بر گردشگری شهری، دو فصلنامه مطالعات معماری ایران، پاییز و زمستان ۹۱، شماره ۲، دانشگاه کاشان.
- برگر، پیتر؛ هاینگتون، ساموئل، (۱۳۸۴)، چند جهانی شدن، ترجمه علی کمالی و لادن کیانمهر، انتشارات روزنه، تهران.

- رهنمایی، محمد تقی؛ پور موسی، سید موسی. (۱۳۸۵)، بررسی ناپایداری امنیتی کلانشهر تهران براساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵.
- زاهدی، شمس السادات؛ نجفی، غلامعلی. (۱۳۸۵)، بسط مفهومی توسعه پایدار، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۴، تهران.
- سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی سکونت‌گاه‌های روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- سعیدی، عباس. (۱۳۸۴)، نقش مدیریت سنتی در تولید فضای پایدار روستایی، مجله علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- کوششگران، علی‌اکبر. (۱۳۸۵)، شناسایی عوامل و زمینه‌های مؤثر در تبیین منشور حفاظت میراث روستایی ایران، پایان‌نامه دکتری معماری، دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- شوای، فرانسوا. (۱۳۷۵)، شهرسازی، تخیلات و واقعیات، ترجمه محسن حبیبی، دانشگاه تهران، تهران.
- صحنی‌زاده، مهشید؛ ایزدی، محمدسعید. (۱۳۸۳)، حفاظت و توسعه دو رویکرد مکمل یا مغایر؟، فصل‌نامه آبادی، شماره ۴۵، سال چهاردهم. مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
- علی‌الحسابی، مهران. (۱۳۷۲)، الگوی مسکن روستایی در خراسان، چاپ اول، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- کوئن، بروس. (۱۳۷۱)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام‌عباس توسل و رضا فاضل، نشر سمت، تهران.
- گلکار، کوروش. (۱۳۷۹)، طراحی شهری پایدار در شهرهای حاشیه کویر، هنرهای زیبا، شماره ۸، تهران، دانشگاه تهران.
- لنسکی، گرهارد. (۱۳۷۴)، سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- مارک هنری، پاول. (۱۳۷۴)، فقر، پیشرفت و توسعه، ترجمه مسعود محمدی، مؤسسه چاپ و نشر وزارت خارجه: تهران.
- مازلو، آبراهام. (۱۳۷۴)، افق‌های والای فطرت انسانی، ترجمه احمد رضوانی، نشر معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد.
- مالدینوفسکی، برونیسلاو. (۱۳۸۴)، نظریه‌ای علمی درباره فرهنگ، ترجمه عبدالحمید زرین قلم، چاپ دوم، نشر گام نو، تهران.
- مختاری، اسکندر. (۱۳۸۶)، فرسودگی و بافت کهن شهر تهران، فصلنامه اندیشه ایران‌شهر، سال دوم، شماره ۹ و ۱۰، تهران.
- مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن. (۱۳۶۷)، گونه‌شناسی مسکن روستایی در ایلام و خوزستان، دفتر پنجم، تهران.
- مهریار، محمد. (۱۳۸۴)، در حاشیه بوم، ارائه شده در کتاب معماری بومی (صص ۵۱ تا ۵۶)، نشر مؤسسه علمی و فرهنگی فضا، تهران.
- نراقی، یوسف. (۱۳۷۰)، توسعه و کشورهای توسعه نیافته، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- نقصان‌محمدی و همکاران. (۱۳۹۱)، طراحی فضای شهری بوم‌گرا، نشریه شهر و معماری بومی، سال دوم، شماره ۲، دانشگاه یزد.
- نوابخش، مهرداد؛ ارجمند سیاه پوش، اسحاق. (۱۳۸۸)، مبانی توسعه پایدار شهری، نشر جامعه شناسان، تهران.
- یونسکو. (۱۳۷۹)، راهبردهای عملی توسعه فرهنگی، ترجمه محمد فاضلی، انتشارات تبیان، تهران.
- Ashworth, G. J., Tunbridge, J. E., (2000), The Tourist , Historic City Respect & Prospect of managing the heritage city, Pergamon, RYAN & PAGE, Oxford.
- Bas, yener, (2003), Designing urban space with the tools of development legislation, The thesis for master of science degree in natural and applied science of the middle east university, Turkey.
- Bianchini, F. and Parkinson, M. (1993), Cultural Policy and Urban Regeneration: The Western European Experience, Manchester: Manchester University Press.
- Bird, J., Curtis, B., Putnam, T., Robertson, G. and Tickner, L (eds) (1993), Making the Futures: Local Cultures, Global Changes, London and New York: Routledge.
- Carmona, matthew, healt, tim, Oc, taner, Tiesdell, Steve, (2003), "public places, urban spaces, oxford, architectural press.
- 51- Castells, manual, (1977). The urban question. Trans. Alan Sheridan, London, Edward Arnold.
- Fachbereich, Vom, urban design guidelines as design control instrument, kaiserslautren university, Germany.
- Kearns, G. and Philo, C. (eds) (1993), Selling Places: The Pastas Cultural Capital Past and Present. Oxford: Pergamon Press.
- Bianchini, F. and Parkinson, M. (1993), Cultural Policy and Urban Regeneration: The Western European Experience, Manchester: Manchester University Press.
- Lichfield, D., (2000), The Context of Urban Regeneration, in Urban Regeneration. Sage Publications Ltd.
- Middleton. And Freestone, P. (2008), The Impact of Culture, led Regeneration on Regional Identity in North East England, Prague, Czech Republic.
- Roberts, Peter W. & Huge skyes, (2003), Urban Regeneration: handbook, London, sage.
- Rapoport, Amos, (1990), The Meaning Of The Build Environment, The University Of Arizona Press, USA
- Smith, M. (2007), Tourism, Culture and Regeneration, UK, Oxford, Cabi Press.
- Van Der Rynn, (1996), Ecological Design, Washington Dc, Island Press.